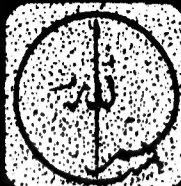


درس سیزدهم



سید علی
زین العابدین
شکون

دنیا و؛ امام علی (ع)

جنب جبهه‌ی اسلامی - انجمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا أُعْزِبِي عَنِّي...^(۱)
چند جمله از نهج البلاغه، از کتاب علی (ع) و ناممه آن
حضرت به عثمان بن حنیف انصاری به حضور دوستانم ترجمه
می کنم .

می فرماید: اُعْزِبِي عَنِّي ای دنیا از نظر من دور شو . ای
دنیا از پیش چشم غایب شو . إِلَيْكَ عَنِّي دور برو . و من ترا
طرد می کنم . جمله اول این مطلب را می خواهم توضیح دهم
که مخاطب علی علیه السلام در این جمله کیست . از من دور
شو ، از جلو چشم غایب شو ، مخاطب چیست و به چه کسی خطاب
می کنند ، فهمیدن مخاطب به معنای فهمیدن این خطبه است
دنیا در یکی از بحثهای گذشته مفصلاً بحضور رفقا معروض شد
دنیا یعنی لذت های غیر مشروع انسان ، از این جهان ، دنیا
یعنی کارهای غیر مشروع انسان در این جهان ، دنیا یعنی
استفاده نا مشروع گوش و چشم و دست و پا و اعضاء را اندام
از این جهان . حظ انسان از راه غیر شرعی از این جهان ، -
" دنیا " است شنیدنیهائی که شرع اجازه نمی دهد ، هوای نفس
اجازه می دهد ، نگاه ها ، گفتن ها ، سفر ها ، حضرها ، خوردن ها
ازدواج ها ، پوشیدن ها ، و تمام این حرکات و سکنات در جائی
که شرع اجازه ندهد ، علی با اینها طرف صحبت است . می گوید
ای هوای نفس ای گناهان ای عملهای غیر شرعی از من دور شو
من رابطه ای با شما ندارم . این دنیا است و همچنین اموالی
که انسان از راه غیر شرعی بدست آورده باشد ، دنیا است ،
ای زمین حرام ، ای لباس حرام ، ای غذای حرام ، ای مرکب

(۱) نهج البلاغه فیض - صفحه ۹۶۴ - وَ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ

حرام، ای ماشین، ای پول، ای اسکناس که از راه غیر شرعی حاصل می شوی، همه از من دور شوید، علی با شما ارتباط ندارد. علی کجا و تو کجا تو دنیائی، تو فاصله بین من، و خدا هستی. همچنین دنیا اندیشه ها و صفت ها و خوی های پلید انسانی، صفات زشت و بد انسانی است. حب مال، حب جاه، حب به نفس، تکبر، عجب، خود پسندی، قساوت، همه صفتهای غیر انسانی، اندیشه های غیر الهی، افکار مسموم فردی و اجتماعی همه اینها دنیا هستند. اینها مورد مخاطبه علی (ع) است.

ای حب نفس، ای حب شهوت، ای حب جاه، ای تکبر، ای عجب، علی با شما رابطه ای ندارد.

این هم از مصادیق دنیا است، یک قدم بالاتر بیایید. مال حلال، کار حلال، لذت حلال، خانه حلال، فرش حلال، ماشین حلال در صورتی که این حلال ها مستقلا انسان را به خود مشغول کند و وسیله ای برای رسیدن به یک هدف عالی نباشد و محض برای تشریفات بوده و به اصطلاح ما اصالت داده شود، این هم دنیا است.

ای حلالهای اینطوری، ای خوراک حلال، ای پوشاک حلال که صرفا اهل دنیا برای خوب پوشیدن و خوب خوردن و مرفه زندگی کردن تحصیل می کنند. شما همه دنیا هستید. علی با شما رابطه ندارد. پس دنیا دو گونه شد.

دنیای ملعونه و دنیای مکروهه، و هیچ یک با علی رابطه ندارند. دنیای ملعونه کدام است؟ کارهای حرام، مقام های حرام همه دنیای ملعونه هستند و منفور الله و مورد نهی الهی می باشند اینها دنیای ملعونه هستند، حلالش هم دنیای مکروهه است (آنجا که اصالت داشته باشد)

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ... سوره آل عمران
و علی میفرماید: اینها همه دنیا است و من با هیچکدام
رابطه ندارم. ای موانع میان من و خدای من، بروید، ای
حجابها میان من و الله بروید. چه دنیای ملعونه باشد که
حجاب ظلمانی بین من و الله است، و چه دنیای حلال باشد
که حجاب نور بین من و الله است، و علی حجاب نمی خواهد
در معراج پیامبر بزرگ از حجاب ظلمت گذشت، و از حجاب نور
گذشت، آری اگر چنانچه حلالش را هم ترک نکنی آنگونه نمی
شوی که انسان باید بشود. در یکی از اشعاری که منسوب
به علی (ع) است میفرماید:

دُنْيَا تَخَادِعُنِي، كَأَنِّي لَسْتُ أَعْرِفُ حَالَهَا

حَظُّ الْمَلِكِ حَرَامُهَا، وَ أَنَا اجْتَنَيْتُ حَالَهَا

این دنیائی است که بسراغ من می آید، می خواهد مرا فریب
بدهد. گویا من نمیدانم او کیست و چه کاره است و چه انداز
از انسانها را کشته و چقدر بی وفائی کرده و چقدر انسانها
را جهنمی کرده و چقدر جوانها را آلوده کرده، و چه افکار
را مسموم کرده، و چه اعمالی را نابود کرده است. گویا
من نمی دانم که واین ارث قارون ها است، گویا نمی دانم
که این مورد علاقه فرعون ها است، گویا من نمی دانم این
وسيلهٔ تکبر نمرودها است، گویا من نمی دانم این وسیلهٔ
آسایش ریزید ها است که بسراغ من می آید، من کجا و این -
خراشات کجا.

ما آلوده به این گناهان هستیم، کجاست آن انسانی که از
این دنیا بیرون بیاید و ابوذر وار و مقداد وار به آسمان

(۱) منع کردن و باز داشتن کسی از چیزی - مصدر

توحید و زهد پرواز کنند.

طیران مرغ دیدی ، تو زیایبند شهوت

بدر آی تا ببینی ، طیران آدمیت

جبرئلا هین پیر اندر پی ام

گفت رو ، رو من حریف تو نیستم

این دنیاست ، ما آلوده ایم ، ما مریض هستیم ، ما نیاز
به دارو و دکتر داریم ، کجاست آن طبیب روحانی که مهن
مریض را معالجه کند ، کجاست آن نسخه ای که با آن بهبود
بیابم . آن نسخه همین است که من در دست دارم ، نهج البلاغه
بکار ببندید انسان کامل می شوید . علی میفرماید :

حَظَرَ الْمَلِیْكَ حَرَامَهَا وَ اَنَا اجْتَنَبْتُ حَلَالَهَا .

خداوند به من گفت حرامش را نزدیک مشو ، چشم . به حلالش
هم نزدیک نخواهم شد . بعد بیان می کند که چگونه بسمه
حلالش هم نزدیک نشدم . اُعْزِیْ عَنِّی (از من دور شو)
قَوْلَ اللَّهِ لَا اَدِلُّ لَكَ فَتَسْتَذِلِّیْ سَوَکُنْدَ به خدائی که ذات واجد
تمام صفات حسنه است . اَللَّهُ اِسْمٌ لِذَاتٍ مُّسْتَجْمِعٍ لِجَمِیْعِ
الصِّفَاتِ الْکَمَالِیَّةِ . الله نام است بر آن ذاتی که هیچ
کمالی نیست جز آن که او دارد و هیچ نقصی نیست که در او
باشد .

ای دنیا هیچ گاه من در برابرت خضوع نخواهم کرد که مرا
استثمار کنی ، که مرا پایبند خود کنی ، در مقابلت ذلیل
نخواهم شد . انسانهای بی محتوا هستند که در مقابل تو
انسانیتشان را ببازند و خودشان را به تو بفروشند .
انسان پر ارجتر از این است که تمام کره خاکی را به او
بدهند . ای دنیا من در برابرت ضعف ندارم ، و استضعاف
نمیشوم . با کمال تاسف در همه سخنرانیها که در این کشور

می شود، در نماز جماعت ها ، نماز جمعه ها ، همه از ، یک بعد انسانی ، سیاست سخن می گویند اما ابعادی درانست هست و نیاز هایی دارد که من به رای العین می بینم که این نیازها تامین نمی شود ، و یکی نیاز نفس انسانیست ماست که احتیاج به پرورش کمال دارد . مگر استضعاف فقط همین است که فردی افرادی را استثمار کند و کشوری کشور هایی را استثمار کند و ابر قدرتی بی قدرتی را استثمار کند؟ استثمار همین است که قلدری بیاید منافع کشوری را ، ببرد؟ استثمار همین است که افکار ملتی را دستگاهی قبضه کند ؟ آیا همین فقط استثمار است ؟ استبداد همین است که دولتی به ملتی زور بگوید؟ استبداد تنها همین است؟ استبداد همین است که یک ملتی را دولت قلدری برده کند؟ این درست، این ظاهر است، چرا چشم باطن بین نداریم. استضعاف بزرگ آن است که قوه و نیروی عقلی یک انسانی را هوای نفس او به استضعاف بکشاند، نیروی فکری و قوه عاقله و خرد انسانی را شهواتش استثمار کند، استضعاف

کند .
 قَالَ عِلْمَاءُ الْأَخْلَاقِ : إِنَّ فِي صَدْرِ كُلِّ إِنْسَانٍ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ
 مُوسَاهُ الْعَقْلُ وَفِرْعَوْنُهُ النَّفْسُ :

علمای اخلاق چنین گفته اند: که در درون هر انسانی موسی و فرعون هست . موسای او عقل و خرد و انسانیت او ، قابلیت و استعداد ترقی و تکامل اوست، و فرعون او و قشون فرعون او ، هوای نفس و هوسها ، لذتها و دنیاها و خوراکیها ، و لباسها و عشق و پایبندی به دنیا است . آن وقت در - درون انسانهایی دیده می شود که فرعون نفس، موسی را آن، چنان به زنجیر کشیده است، که آن جوان دیگر جوان انسانی

نیست، الهی نیست، خلیفه الله نیست، زنجیر شده دست شهوت و غضب است، زنجیر شده دست هوا و امیال و شهوت پستی و شهوت رانی است. این حیوانی است که در دست دیگران - زنجیر است. وای بر حال انسانی که چنین سقوط کرد. ای مرگ بر این ابر قدرتهای متمدن که ناامان را متمدن گذارند خورد و خوراک و خوابیدن و غیره را ترقی و تکامل دادند و انسانیت و انسان بودن، خلیفه اللهی، روح و عقل و خرد را نابود و ساقط کردند. انسان ها را به حیوانیت برگرداند و چه جنایتی بالاتر از این است؟

لَا اِذْلَ لَكَ فَتَسْتَذِلِّينِي. دنیا ابدًا در برابرت خوار نخواهم شد، که مرا استضعاف کنی. مقام علی بالاتر از اینهاست زین العابدین در دعایی می گوید:

إِلَهِي لَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شَرِّ السُّهُو عَنْكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَا عُدْمِكَ :

خدایا جوانیم را با مستی گذراندم، عمرم را فانی کردم در حالیکه از تو غفلت داشتم، پوسیده شد انسانیت و - شباب و جوانی روح من فبی شَرِّ السُّهُو عَنْكَ، یک آگاهی، یک جرقه، الهی و نور سمایی، گاهی در دل یک انسان جوانی آنچنان می تابد، صحنه دل نورانی می شود. دیگر تا آخر با خدا است چنین حالتی را پیدا کنید از خدا بخواهید دنیا انسانها را تنزل داده است این مجلسی که شما در آن نشسته اید، در تمام کره زمین چنین مجلسی نیست، زیرا این مجلس تحت نظر امام صادق (ع) است، و این مجلس اسلام راستین را بیان می کند. زیرا این مجلس بنام علی است، و از سخنان علی است و کیست که در دنیا از علی روحانی تر و کلامش از علی صحیحتر باشد؟ بدوستانم مؤدّه میدهم که خداوند این توفیق را داده است که با علی رابطه پیدا کردیم.

و لَا أَسْأَلُكَ فَتَقُو دینی من رام تو نخواهم شد که لجام بر سرم بزنی و بکشانیم . جسارت است ای علی جان ، مگر کویی من اینطور نیستم اما شیعیان من شاید اینگونه باشند خداوند روح عظیم و بزرگ و زنده و زندگی آفرین و زندگی بخش را به این جوانان امروز ما که در خط امام و خط اسلام و خط الله هستند مرحمت بفرما ، که اینان این جامه مرده را زنده کنند . هر یک از اینها اباذر شوند . می گویند — دمی در اطراف شام است که اهالی آن همه از اهل سنت هستند و ده دیگری هم در آنجاست که از آن عصر تا به حال اهالی آن ده علاقه مند علی هستند . چرا ؟ چون چند روز اباذر در آن جا تبعید بوده است ، اما آنچنان حیات و زندگی بخشید که الان هم مردم آنجا زنده اند ، بواسطه زندگی انسانی به نام اباذر . چنین باشید دوستان عزیز ، اباذرهای زمان باشید ، مقدادهای دوران باشید ، سلمانهای عصر باشید ، حسینی باشید تا دنیا را حسینی کنید ، و گرنه یزیدی خواهیم شد .

وَ أَيْمُ اللَّهِ يَمِينًا أَسْتَشْفِي فِيهَا بِمَشِيئَةِ اللَّهِ :

سوگند به خدا آن سوگندی که دنبالش یک انشاء الله هم می گویند . لَا رَوْضَنَ نَفْسِي رِيًّا ضَةً مِنْ أَيْنِ نَفْسٍ رَا أَنْجَانِ به منگنه و فشار بگذارم و ریاضتش بدهم . تَهَشُّ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَقْنَعُ بِالْمِلْحِ مَا دُو مَاءً :

وقتی که نان خشکی در جلو او قرار دهم و نمکی در کنارش آنچنان میل کند که گویی بهترین طعام را به او داده ام . من ریاضت بدهم او را . چرا ؟ علت را در جای دیگر گفته وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ وَ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْخِ . شاید در آخرین کرانه کشورم انسانی باشد که او هم مسلم

ولی گرسنه باشد بنا براین خودم را ریاضت خواهم داد. گمان
نبرید که فقط علی (ع) باید اینطور باشد، هر انسان،
کاملی و طبقه اش این است. حیوانات هستند که وقتی یکی از
آنها را سر می برند دیگری همان جا نگاه می کند و مشغول
علف خوردن است، و چاق و پرور می شود اما اگر انسانی
ناراحت شد همه انسانها باید ناراحت شوند.

وَلَا دَعَنَّ مَقْلَبَتِي كَعَيْنِ مَاءٍ نَضَبَ مَعِينُهَا : مانند چشمه و چاهیی
که آنقدر آب از او کشیده اند، و آبش تمام شده است، آنقدر
گریه کنم تا اشک چشم تمام شود. چرا؟ برای ما امر مُسْتَبْعَد
است که برای چه عملی می خواهد اینقدر گریه کند و گریه هم
می کند. شبها آنهنگام که همه خوابیده اند، و نفسها
از صدا افتاد و خواب بر چشمها غالب شد و همه در رختخواب
استراحت کردند و شهر آرام و بی صدا شد و همه جا را ظلمت
فرا گرفت، فرشتگان عظیم و کرام کاتبین به زمین می آیند
تا از بندگان خدا تفحص حالی بکنند، گاه گاهی در گوشه
مسجدی در زاویه تاریکی صدایی بلند است:

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ
إِلَّا الْمَوْلَى (در اعمال مسجد بزرگ کوفه - مفاتیح صفحه ۶۸۵)
تو خالقی، من مخلوق تو قادری، من عاجز، تو جوادی
و من بخیل، تو ربی و من مریوب، تو الله هستی و من عبد
اینک بخدمتت رسیده ام. علی این خطاب را عملی کرد. یعنی
گفت دنیا برو، هوای نفس برو، ای مال دنیا، حلال و حرام
همه بروید. گفت برو و سخنش را عملی کرد، مثل ما نیست،
من از گفته های خود خجل هستم، زیرا که نهج البلاغه را -
می خوانم و وارد خانه خودم می شوم، می بینم من آن نیستم
که در نهج البلاغه می خوانم خدایم شاهد است که خجلت میکشم

چه کنم خانه است، چیزی هست، نمی توانم الان در میان مردم آن طور زندگی کنم .

علی عمل کرد به گفته خودش، بنابر آنکه به هر چه بگوید عمل می کند. بروید چنین افرادی پیدا کنید و خودتان چنین باشید. تاریخچه ای برای شما نقل می کنم سُوید بن غفله روایتی می خواند از سفینه البحار کلمه زهد:

دَخَلْتُ عَلَيْهِ.....بِحضور انورش رسیدم آنگاه که خلافت ظاهری بدست او رسیده بود، آقا و خلیفه بود، پس از جناب عثمان، وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى حَصِيرٍ صَغِيرٍ وارد خانه شدم، یک گوشه خانه حصیر کوچکی افتاده و علی روی حصیر نشسته است این خانه از عرش بزرگتر است، و این مرد از همه موجودات مهمتر است، انسان دوم از عالم وجود است، این مرد روی حصیر نشسته و امپراطور یک مملکت بزرگی است.

وَ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ غَيْرُهُ غیر از حصیر چیزی در خانه ندیدم فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بَيْتُكَ بَيْتُ الْمَالِ بیت المال بدست تو افتاده، پس کجاست؟ بیت المال را چه کردی؟ مثل بعضی آقایان که می گویند همه نفت دست دولت است پس چه می کنی بیت المال کجا شد؟ چرا وضع اینطور شد؟

وَ لَسْتُ أَرَى فِي بَيْتِكَ شَيْئًا مِنْ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ: از آنچه که ما یحتاج است در خانه تو چیزی نمی بینم:

فَقَالَ يَا بْنَ غَفْلَةٍ: إِنَّ اللَّيْبَ لَا يَأْتِيكَ فِي دَارِ الثَّقَلَةِ: مگر انسان در وسط راهی که می خواهد به هدفی برود هر چه اثاث الهیت است جمع می کند؟ به انسان می خندند، آقا چرا اینجا برای چه اثاثه را در وسط راه جمع کرده ای؟ ما در حال رفتن و حرکت هستیم، يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدًّا فَمُلَاقِيهِ: ای انسان متحرک تو در حال سفر هستی، وَ لَنَا دَارٌ قَدْ نَقَلْنَا إِلَيْهِ خَيْرٌ مَّا عِنَّا: ما خانه ای دیگر داریم که

آنچه داریم به آنجا فرستاده ایم.

وَ أَنَا قَلِيلٌ إِلَيْهِ طَارُونَ، به آنجا خواهیم رفت . پیامبر در مجلسی نگاه کرد دید جوانی چرت می زند ، پرسید چرا ؟ حُرّت می زنی ؟ گفت: أَصَبَحْتُ مُوقِنًا ، یقین در دل من پیدا شده است ، دیگر راز بر من کشف شده است ، دیگر تمام هوای ها و هوس ها زیر پای من است و شیطان بر دلم مسلط نمی شود من هم به این طمع به این مجالس می آیم که در میان شما چنین فردی پیدا کنم .

مرحوم نواب صفوی در سفر بود ، بین شهر ها ، به هر جامی رفت می گفت از جوانان متدین چه کسانی اینجا هستند ، به سراغ آنها میرفت و پیدا می کرد ، محل قابلی را در نظر می گرفت و آن اصالت الهی که داشت به او می داد و او را ، زنده می کرد و آدمی تربیت می کرد که از جان خود می گذشت و طاغوتی را به زمین می زد . امیدوارم انشاء الله از دوستان و رفقا کسانی پیدا شوند که سخن علی در دلشان اثر کند ، من واسطه هستم . سخن علی در دلشان اثر کند و الهی و آسمانی بشوند . ما به شما جوانها امیدواریم ، فردا این کشور مربوط به شماست ، هر گاه که بشنوم جوانی منحرف شده گویی فرزند مرا در خانه کشته اند . زیرا که همه فرزندان هم هستند ، همه دوستان هم هستند .

بعد می فرماید اَتَمَتَّلِي السَّائِمَةَ مِنْ رُغِيهَا آیا حیوانی که در صحرا می چرد و از چریدن سیر شود ، و حیوان دیگر که در آخور گاه و یونجه می خورد از خوردن سیر شود ، و هردو بخوابند تا صبح و علی هم غذا بخورد در اول شب و سیر شود و شکم بالا بیاید و تا صبح بخوابد ؟ آیا علی چنین کاری انجام دهد قَرَّتْ إِذَا عَيْنُهُ ، ای علی اگر اینطور است چشمت روشن که بعد از سالهای متمادی اقتدا به یک حیوان کردی . یعنی مقام تو

بالا است ، تو انسان هستی ، تو با خدا باید باشی ،
 إِذَا اقْتَدَى بَعْدَ السَّنِينَ الْمُتَطَا وَلَقِ بِأَلْبِهِمِ الْهَامِلَةَ طُوبَى
 لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا قَرْضَهَا . خوشا به حال آن انسان ، بارک -
 الله به آن انسان و آن جوان که آدَّتْ إِلَى رَبِّهَا قَرْضَهَا این
 جمله را هم معنا کنم : علی مطلبی را اشاره می کند بهترین
 شاگرد برای استاد شاگردی است که هر چه استاد بگوید درک
 کند و عمل کند ، بهترین فرزند برای یک پدر فرزندی است
 که هر چه پدر اراده کند بفهمد و بکار بیند و اطاعت کند ،
 بهترین سرباز برای یک افسر سربازی است که تا دستور داد ،
 و اشاره کرد حمله کند ، بهترین بنده برای الله بنده ای ،
 است که می گوید آدَّتْ إِلَى رَبِّهَا قَرْضَهَا : بفهمد خدا چسبیده
 میخاهد و شتابان بسوی هدف خدا برود . چنین باشید .

چه جمله پر محتوایی طُوبَى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا قَرْضَهَا فریضه خود
 را بفهمد ، واجبات خود را بفهمد ، واجبات و فرایض را بفهمد
 و سپس عملی کند ، ادا کند ، وَ عَرَّكَتْ بِحَنْبِهَا بُؤْسَهَا این جمله
 را چطور معنا کنم ، با پهلوی خود همه خارها را بشکنند و
 خرد کند یعنی چه ، خارها را بریزید و انسانی روی آن بخوابد
 و غلت بزند تا خرد کند ، یعنی آنقدر نیروی انسانی اش قوی
 باشد که همه نا ملایمات را زیر پا بگیرد و خرد کند و جلو
 برود ، این انسان است . وَ هَجَرَتْ فِي اللَّيْلِ غَمُضَهَا در شب کس
 بخوابد ، حَتَّى إِذَا غَلَبَ الْكَرَى عَلَيْهَا وَ قَتِيكُهُ خَوَّبَ بِرِجْمِشِ
 غالب شد ، افترشت آرزوها زمین خاکی و حصیر ، فرش او باشد
 وَ تَوَسَّاتْ كَفْهَهَا کف دست و بیرون دست او بالش باشد ،

فَبِی مَعَشَرٍ مِّبَیْنِ آن جوانها که جوانهایی هستند که هَمِّ
 آخرت دنیا را از یاد آنها برده است .
 أَسْهَرُ عُيُونَهُمْ خَوْفَ مَعَادِهِمْ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ:

اینها که علی میفرماید اوصاف کسانی است که حزب الله هستند و شما دوستانم، شما جوانها، خدایا شکر این نعمت را می توانم انجام بدهم؟ که دانشگاه از تهران حرکت می کند به حوزه می آید، و حوزه حرکت می کند به دانشگاه می رود و هر دو با هم جمع می شوند نماز جمعه می خوانند. همه با هم هم صدا می شوند و شعار الله اکبر و وحدت سر می دهند. همه می گویند أَنْجَزْ وَعْدَهُ وَ نَصْرَ عَبْدِهِ وَ أَعِزَّ جُنْدَهُ، می دانید این چه جمله ای است که مستحب است بعد از نماز بعنوان تعقیب خوانده شود؟ نگاه که پیامبر با ده هزار سرباز مکه را احاطه کرد و وارد مکه شد، و بتها را سرنگون کرد، منبری گذاشتند، پیامبر بزرگ روی سنگ (منبر) رفت گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ ، وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ ، وعده او را منجر دیدم به من گفتی لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُخْلِقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ: أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصْرَ عَبْدِهِ بنده خود را آنچنان نیرو بخشید که یتیمی ابرقدرتها را بزانودر آورد و نَصْرَ عَبْدِهِ وَ أَعِزَّ جُنْدَهُ لشکر خودش را عزت بخشید، ایران را عزت بخشید، در جهان به ایرانیان عظمت داد و آن بنده بزرگش (امام امت) را کمک کرد و بر ما این نعمت ارزانی داشت که در دنیا بگوئیم مستقل هستیم، ما تحت نظر هیچ ابر قدرت نیستیم، ما وابسته نیستیم، ما انسانهای مستقل الفکر هستیم، چه نعمت بزرگی، عجله نکنید مثل بعضی ها که نمی فهمند، می گویند کجا درست شد، نواقص داریم، هنوز درست نشده، هنوز اداره آنطور است، شما می دانید چه کرده اید می دانید چه پیروزی بدست آوردید؟ می دانید چه مملکتی را زیر و رو کردید، چه طاغوتی را سرنگون کردید.

چه ابر قدرتی را در دنیا مفتوح کردید؟ خبر دارید؟ همه دنیا بر خاستند، ایستاده اند و دو چشم هم وام گرفته و چهار چشم به شما نگاه می کنند و انگشت در میان دندانها می فشارند که اینک ایران چنین پیروزی را بدست آورده است اینها چه عقیده دارند؟ کیستند؟ آرم شان چیست؟ هدفشان چیست؟ آرمانشان چیست؟ می گویند اینها تپیی از مسلمانان هستند که دنباله رو افرادی چون امام صادق و امام باقر از فرزندان پیغمبر مذهبشان تشیع و آنها از روز اول زنده بودند و زیر بار ظلم نرفتند تا امروز خدا چنین پیروزی نصیبشان کرد.

دوستان قدر این نعمت را بدانید و بکوشید این مملکت را از نظر فکری و عقیدتی و از نظر ایدئولوژی اسلامی و معارف دینی و اقتصادی و صنعتی و دامداری و دامپروری انشاء الله در اندک مدتی ترقی دهید و خواهید داد. امام صادق میفرماید حرفهای مرا بشنوید و به آن عمل کنید اگر دنیا بر شما غالب شد پس بر من پیروز شده اند، و نخواهد شد.

پروردگارا: بحق محمد و اهل بیتش، پروردگارا بحق عظمت و جلالت، بحق مقربان درگاهت، فرشتگان، انبیاء عظامت، جلال نشینان انبیاء بحق مومنین، بحق این جوانها، قیافه ها و هدفهای الهی که از همه موجودات نزد تو عزیز تر هستند، بحق خون شهیدان که هر قطره ای که به زمین بریزد می جوشد تا طاغوتی را سرنگون کند، خداوندا به حق خون شهیدانمان ما را به پیروزی نهائی برسان. امام امت ما را عمر طولانی عطا بفرما، پروردگارا توفیق تشخیص وظیفه، خود شناسی، نفس شناسی، تصفیه داخل مقابل تصفیه های خارج به همه ما عنایت بفرما.

خوب بفهمیم و برای تو بفهمیم ، خوب عمل کنیم و برای تو عمل کنیم ، و خوب بگوئیم و برای تو بگوئیم و اصلاح کنیم هم خود را هم جامعه را و انسانهای نمونه و خلیفه الهی باشیم ، انسانهای کامل باشیم .
 پروردگارا : توفیق همه این نعمتها را به ما عنایت بفرما

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید:

زیان کارترین مردم آنکس است
 که عمری به آرزو گذراند و روزگار
 وی را به منظور نرساند و از دنیا
 بی توشه برون رود و در پیشگاه
 خداوند دلیلی نداشته باشد.

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید:

برامت خویش بیشتر
 از هر چیز از شکم پرستی
 و پر خوابی و بیکارگی
 و بی ایمانی بیمناکم.